

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران

نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دو رویداد مهم و تأثیرگذار در تاریخ پر فراز و نشیب دوران معاصر ایران به شمار می‌روند. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای داخلی و خارجی نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

پس از همفکری و مرور آموخته‌های قبلی، دیدگاه خود را در باره تأثیر منابع نفت بر تحولات مهم تاریخ معاصر ایران، به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم، بیان کنید.

نفت و اهمیت آن

با پیشرفت و گسترش صنعت در یکصد و پنجاه سال اخیر، نفت^۱ به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت. در دنیای کنونی، کمتر صنعتی را می‌توان یافت که به نوعی به نفت و مشتقات آن وابسته نباشد. جنگ‌های جهانی اول و دوم اهمیت و ارزش دسترسی به منابع نفت و تسلط بر آن را بیش از گذشته برای سیاستمداران و رهبران کشورهای قدرتمند آشکار ساخت. در اوایل سده ۲۰م، کشف منابع نفت در منطقه غرب آسیا توجه کشورهای استعمارگر و صاحبان صنایع بزرگ را بیش از گذشته به این منطقه و از جمله کشور ما – که رتبه سوم ذخایر نفت و رتبه اول مجموع ذخایر نفت و گاز را در دنیا دارد – جلب کرد. دست‌یافتن به طلای سیاه در ایران نیز باعث تغییر و تحولاتی بنیادین در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد.^۲

تاریخچه کشف و استخراج نفت ایران

در زمان مظفرالدین‌شاه، امتیاز کشف و استخراج نفت و گاز در سرتاسر ایران به مدت ۶۰ سال به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام ویلیام ناکس داریسی^۳ واگذار شد (۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م). در مقابل، او تعهد کرد که ۲۰ هزار لیتره نقد، ۲۰ هزار لیتره به شکل سهام و تنها ۱۶ درصد سود خالص سالانه به دولت ایران پرداخت کند. فعالیت‌های انگلیسی‌ها برای یافتن منابع نفت در مناطق مختلف ایران، با فوران نخستین حلقه چاه نفت در منطقه مسجد سلیمان به نتیجه رسید (۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م). پس از آن، شرکت جدیدی

۱- در زبان اوستایی کلمه نپتا (Nepta) به معنی روغن معدنی است و همین کلمه بعداً توسط عرب‌زبانان به صورت نفت مورد استفاده قرار گرفت. در زبان‌های فرانسه و انگلیسی نفت را پترول (Petrol) و پترولیوم (Petroleum) می‌خوانند که به معنای (روغن سنگ) است (ذوقی، نفت ایران، صص ۱۱-۱۲).

۲- هر کشور نفت‌خیز در معرض یک بیماری خطرناک یعنی «انکای به نفت خام در اقتصاد و سیاست» است؛ کشور ما نیز که خدا نعمت مخازن بزرگ انرژی را به او ارزانی داشته، سال‌های طولانی است که از این بیماری رنج می‌برد. اگر بتوانیم وابستگی اقتصاد و بودجه کشورمان را از فروش نفت خام قطع کنیم، شکوفایی و رونق اساسی در تولید، اشتغال، درآمد عمومی و استحکام اقتصادی در انتظار کشور ما خواهد بود.

۳- William Knox Darcy

به نام «شرکت نفت پارس و انگلیس»^۱ تشکیل شد. این شرکت چاه‌های زیادی در منطقه مسجد سلیمان حفر کرد و خط لوله‌ای هم از آنجا تا آبادان کشید. دولت انگلستان پس از آنکه از ارزش منابع عظیم نفت ایران و اهمیت آن برای نیروی دریایی خود آگاه شد، ۵۱ درصد سهام شرکت نفت پارس و انگلیس را خریداری کرد و حق نظارت کامل بر آن شرکت را به دست آورد (۱۹۱۴م). بدین گونه این شرکت به بازوی پر قدرت اقتصادی و سیاسی دولت انگلیس تبدیل شد و زمینه اعمال نفوذ و مداخله بیشتر انگلیسی‌ها را در ایران فراهم آورد.



کارگران شرکت نفت هنگام احداث خط لوله نفت در خوزستان

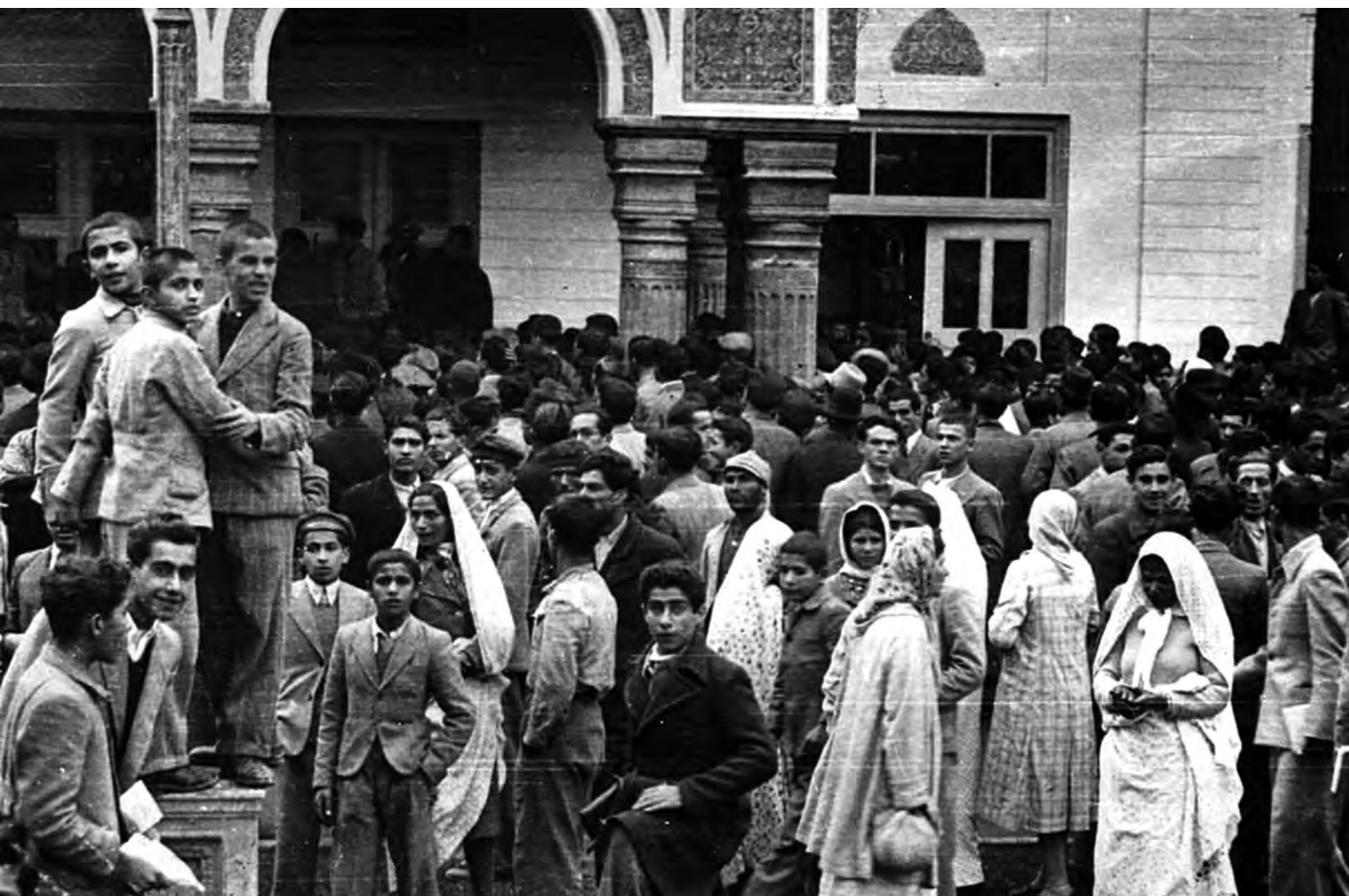
۱- در دوره رضا شاه به شرکت نفت ایران و انگلیس تغییر نام داد.

پس از انقلاب مشروطه، همواره میان دولت ایران و انگلیس اختلافات دامنه‌داری درباره نحوه عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس و پرداخت سهم ایران وجود داشت. در نتیجه چنین اختلافاتی بود که رضاشاه امتیازنامه داری را یک طرفه لغو کرد اما خیلی زود قرارداد نفتی دیگری را با انگلستان منعقد نمود (۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش). در قرارداد جدید، سهم ایران نسبت به قرارداد قبلی اندکی افزایش یافت و محدوده جغرافیایی قرارداد به میدان‌های نفتی شناخته شده جنوب کشور محدود گردید، اما در عوض، ۳۰ سال به مدت قرارداد افزوده شد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰

نیروهای متفقین (شوروی و انگلستان و سپس آمریکا) پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه از کشور، کنترل مستقیم راه‌های اصلی خلیج فارس به مرزهای شوروی و حفاظت از چاه‌ها و تأسیسات نفت جنوب را به دست گرفتند. آنان همچنین برخی از شخصیت‌های ایرانی هوادار دولت‌های محور و تعدادی از آلمانی‌های فعال در ایران را بازداشت کردند. با وجود آنکه دولت‌های اشغالگر تعهد کرده بودند که آذوقه و غله مورد نیاز مردم ایران را نیز تأمین کنند اما کمبود و گرانی مواد غذایی و به ویژه نان در زمان جنگ جهانی دوم، موجب بروز قحطی، بیماری و نابسامانی‌های اقتصادی و اعتراض‌های خیابانی متعددی در شهرهای مختلف کشور از جمله تهران شد.

نمایی از تظاهرات مردم تهران در اعتراض به کمبود و گرانی نان در برابر مجلس شورای ملی در میدان بهارستان (آذر ۱۳۲۱)



محمدرضا شاه پهلوی در ابتدای سلطنتش به منظور تحکیم جایگاه خویش، به اقدامات مختلفی دست زد. از جمله هنگام ادای سوگند در مجلس شورای ملی متعهد شد که مطابق قانون اساسی به عنوان یک پادشاه مشروطه، فقط سلطنت کند نه حکومت. او همچنین املاکی را که پدرش تصرف کرده بود، در اختیار دولت گذاشت تا آنها را به صاحبانشان بازگرداند. علاوه بر این، به مراجع تقلید اطمینان داد که حجاب را محدود یا ممنوع نخواهد کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، شاه فقط بر ارتش مسلط بود و نظارت و قدرت اداری و اجرایی کشور در اختیار هیئت دولت و مجلس شورای ملی بود. اعیان و اشراف زمین‌دار و غیرزمین‌دار در مجلس، هیئت دولت و در سطح محلی، قدرت و نفوذ زیادی داشتند. در این دوره، مطبوعات و احزاب نیز به صورت گسترده و با شور و شوق فراوان فعالیت می‌کردند و نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی داشتند.

زمینه‌های نهضت ملی شدن نفت

سیاست موازنه منفی

در دوران اشغال ایران، دولت‌های آمریکا و شوروی برای کسب امتیاز استخراج نفت در مناطقی که در خارج از محدوده قرارداد ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ م ایران و انگلیس قرار داشتند، از جمله نفت شمال، به شدت با هم رقابت می‌کردند. در این میان، نمایندگان مجلس

قوام و سادچیکف، سفیر شوروی، هنگام امضای موافقت‌نامه امتیاز نفت شمال



شورای ملی (دوره چهاردهم) به پیشنهاد دکتر محمد مصدق طرحی را به تصویب رساندند که دولت را از مذاکره و انعقاد قرارداد با کشورهای خارجی در خصوص نفت ایران بدون تأیید و تصویب مجلس منع می‌کرد (۱۳۲۳ش). این مصوبه در حکم اتخاذ سیاست «موازنه منفی»، یعنی ایستادگی در برابر امتیازخواهی دولت‌های سلطه‌جو، بود و دقیقاً خلاف سیاست «موازنه مثبت» تلقی می‌شد، که تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و اعطای امتیاز به آنها را توصیه می‌کرد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، شوروی نمی‌خواست بدون گرفتن امتیاز، نیروهایش را از ایران خارج کند؛ از این رو، احمد قوام (قوام السلطنه) نخست‌وزیر وقت، طی موافقت‌نامه‌ای امتیاز نفت شمال را به شوروی واگذار کرد. این موافقت‌نامه می‌بایستی به تأیید و تصویب مجلس شورای ملی برسد، اما نمایندگان مجلس نه تنها موافقت‌نامه مذکور را رد کردند بلکه واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن را به خارجی‌ها ممنوع کردند.

اعتراض به قرارداد نفت جنوب

نمایندگان مجلس شورای ملی در مخالفت با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی، دولت را مکلف ساختند که برای گرفتن تمامی حقوق ملی در موضوع نفت جنوب، مذاکره کند و اقدامات لازم را انجام دهد (مهر ۱۳۲۶). این اقدام به معنای اعلام نارضایتی رسمی و علنی از قرارداد نفتی ایران با انگلستان (قرارداد ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش) و تلاش برای تجدید نظر در آن به حساب می‌آمد. پس از آن، انتقاد و اعتراض نسبت به این قرارداد در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران گسترش یافت.

جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی

پس از مذاکراتی که میان نماینده دولت ایران و نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس با هدف بازنگری در قرارداد نفت جنوب و تأمین منافع ایران صورت گرفت، قرارداد الحاقی تدوین و امضا شد.^۱ این قرارداد معاهده نفتی ۱۳۱۲ش را اندکی تعدیل کرد اما باز هم تأمین‌کننده حقوق و منافع کشور ما نبود. به همین سبب، معدودی از نمایندگان مجلس شورای ملی که مخالف قرارداد بودند، مانع رأی‌گیری درباره آن شدند.^۲

در مجلس شانزدهم نیز اقلیتی از نمایندگان عضو جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق با مخالفت مؤثر خود از تصویب قرارداد مذکور جلوگیری کردند. از جمله علل مهم مخالفت با قرارداد الحاقی گس – گلشایان این بود که این قرارداد علاوه بر نادیده گرفتن حقوق مادی مردم ایران، حاکمیت ملی و استقلال کشور را به نوعی نقض می‌کرد و به تسلط بیگانگان بر منابع و صنعت نفت مشروعیت می‌بخشید.

فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

با بررسی و ارزیابی مفاد قرارداد الحاقی گس – گلشایان، که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، استدلال کنید که آیا این قرارداد حداقل حقوق و منافع ملی ایرانیان را تأمین می‌کرد یا خیر.

۱- عباسقلی گلشایان، وزیر دارایی وقت، به عنوان نماینده ایران و نوبل گس (Neville Gass) به عنوان نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس پس از ماه‌ها مذاکره، قراردادی را به عنوان ضمیمه قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش تدوین و امضا کردند (تیر ۱۳۲۸) که به قرارداد الحاقی گس – گلشایان معروف شد.

۲- حسین مکی، یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی، با حمایت عبدالله معظمی که از نمایندگان منتقد مجلس بود، آن قدر نطق خود را طولانی کرد که زمان مجلس پانزدهم به پایان رسید و فرصت تصویب قرارداد الحاقی از دست رفت. بدین ترتیب، سرنوشت این قرارداد به مجلس شانزدهم کشید.

تأسیس جبهه ملی ایران

دخالت عبدالحسین هژیر، وزیر دربار شاهنشاهی، در برگزاری انتخابات شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی، باعث اعتراض بسیاری از سوی گروه‌ها و چهره‌های سیاسی شد. عده ای از سیاستمداران و روزنامه‌نگاران به رهبری دکتر محمد مصدق، در اعتراض به دخالت‌های دولت وقت در ۲۲ مهرماه ۱۳۲۸ در کاخ مرمر متحصن شدند. چندی پس از پایان تحصن، افراد متحصن در منزل مصدق جمع شدند. سیدحسین فاطمی در سخنانی پیشنهاد تشکیل ائتلاف جبهه ملی را داد و به این ترتیب، جبهه ملی ایران به رهبری محمد مصدق تشکیل شد (آبان ۱۳۲۸). این جبهه مهم‌ترین تشکیلاتی بود که بر مبنای ملی‌گرایی در ایران به وجود آمد. پس از تشکیل جبهه ملی، علاوه بر هیئت مؤسس، احزاب مختلفی از قبیل حزب ملت ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب مردم ایران، مجمع مسلمانان مجاهد و انجمن اصناف و تجار بازار تهران به آن پیوستند و جبهه واحدی را برای مقابله با استعمار انگلیس، تأمین حقوق و منافع ملی از طریق اجرای کامل اصول قانون اساسی و استقرار حکومت مشروطه به وجود آوردند.

مبارزه برای ملی کردن نفت



دکتر مصدق و آیت الله کاشانی

نمایندگان مخالف قرارداد الحاقی در مجلس شانزدهم، ضمن مخالفت با این قرارداد، طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را پیشنهاد کردند^۱. این طرح با استقبال گسترده شخصیت‌ها، قشرها و گروه‌های مختلف سیاسی، ملی و مذهبی روبه‌رو شد و بسیاری از مطبوعات نیز از آن پشتیبانی کردند. تظاهرات و اعتصاب‌هایی هم در مخالفت با قرارداد الحاقی و طرفداری از ملی شدن صنعت نفت برپا شد. آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، که سابقه طولانی در مبارزه با استعمار انگلستان داشت، با جدیت تمام از جنبش ملی شدن صنعت نفت حمایت کرد. وی در اعلامیه‌ای، مبارزه برای ملی شدن نفت را تکلیف دینی و وطنی ملت ایران برشمرد و تعدادی از علما نیز نظر او را تأیید کردند^۲.

در جبهه مقابل نیز انگلستان و عوامل داخلی‌اش برای حفظ منافع استعماری خود و جلوگیری از دستیابی ملت ایران به حقوق خویش به تکاپو افتادند. سپهد حاجعلی رزم‌آرا در مقام نخست‌وزیر (تیر تا اسفند ۱۳۲۹) از سیاست انگلستان جانب‌داری می‌کرد و با ملی شدن صنعت نفت به شدت مخالف بود.

۱- متن طرح پیشنهادی ملی شدن نفت: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود؛ یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرارگیرد». امضاکنندگان این پیشنهاد عبارت بودند از: دکتر مصدق، سید علی شایگان، ابوالحسن حائری‌زاده، مظفر بقایی، اللهیار صالح، محمود نریمان، حسین مکی، عبدالقدیر آزاد، میرسیدعلی بهبهانی، عباس اسلامی و کاظم شبیبانی.

۲- روحانیت و اسرار فاض نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۵.



صحنه‌ای از تظاهرات مردم تهران در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت ایران

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت

پس از اعدام انقلابی رزم‌آرا به دست خلیل طهماسبی^۱ یکی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام (۱۶ اسفند ۱۳۲۹)، مهم‌ترین مانع بر سر راه ملی شدن صنعت نفت برداشته شد. چند روز بعد از آن، نخست مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹) و سپس مجلس سنا در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند و جنبش ضداستعماری ملت ایران در گام نخست به پیروزی رسید.

بی‌تردید، پیروزی جنبش‌های ضداستعماری مردم هندوستان علیه انگلستان به‌عنوان استعمار پیر و نیز موفقیت حرکت‌های استقلال‌طلبانه در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، تأثیر بسزایی بر خیزش ملت ایران برای طلب کردن و گرفتن حقوق ملی خود داشته است.

بیشتر بدانیم



شهیدان نواب صفوی و سیدمحمد واحدی لحظاتی پس از بازداشت در حضور سرلشکر تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران

جمعیت فدائیان اسلام

فدائیان اسلام تشکلی مذهبی، سیاسی و انقلابی بود که در سال ۱۳۲۴ ش به همت طلبه جوانی به نام سید مجتبی نواب صفوی به وجود آمد و تا سال ۱۳۳۴ ش نقش مؤثری در رویدادهای سیاسی کشور داشت. هدف این جمعیت ایجاد حکومتی بود که به شریعت و قوانین اسلام احترام بگذارد. شهرت و تأثیر این جمعیت بیشتر مدیون اقدام‌های مسلحانه و ترورهای بود که به دست اعضای آن صورت گرفت. آنها نخست احمد کسروی را به علت اقدامات و نوشته‌های ضددینی به قتل رساندند (۱۳۲۴ ش). سپس، عبدالحسین هژیر وزیر دربار را به جرم فساد و خیانت کشتند. قتل رزم‌آرا یکی دیگر از اقداماتی بود که فدائیان اسلام به عهده گرفتند. همراهی و همکاری فدائیان اسلام با جبهه ملی و دولت دکتر مصدق خیلی زود به دشمنی تبدیل شد؛ زیرا از نظر فدائیان اسلام آن دولت وفادار و مصمم به اجرای قوانین و احکام اسلام نبود. از این رو، دکتر حسین فاطمی را که وزیر خارجه دولت مصدق بود، ترور کردند اما او جان سالم به در برد. پس از آن، نواب صفوی و برخی از یارانش در زمان مصدق مدتی به زندان افتادند. پس از ترور نافرجام حسین علاء، نخست‌وزیر وقت (آذر ۱۳۳۴) توسط یکی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام، نواب صفوی رهبر آن جمعیت، و سه نفر از یارانش (مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی) دستگیر شدند و پس از محاکمه به شهادت رسیدند. شمار دیگری از فدائیان اسلام نیز به زندان محکوم شدند.

۱- درباره ضارب اصلی رزم‌آرا اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که او به ضرب گلوله یکی از محافظانش کشته شده است.

نخست‌وزیری مصدق و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

در اردیبهشت ۱۳۳۰، دکتر مصدق با حمایت گسترده افکار عمومی، اتحاد و همکاری تنگاتنگ نیروهای ملی و مذهبی و پشتیبانی قاطع آیت‌الله کاشانی، نخست‌وزیر شد تا قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را با قاطعیت به اجرا درآورد. دولت دکتر مصدق پس از روی کار آمدن، بی‌درنگ هیئتی را به ریاست مهندس مهدی بازرگان به خوزستان فرستاد تا مراکز و تأسیسات نفتی را از حوزه اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس خارج کند. اجرای این قانون نقطه عطفی در تاریخ معاصر و مبارزه مردم ایران برای رهایی از سلطه استعمار و نجات سرمایه‌های ملی از تسلط بیگانگان به‌شمار می‌رود.

اقدامات انگلستان برای ممانعت از ملی شدن نفت

انگلیسی‌ها برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون ملی شدن نفت، به اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی دست زدند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

- تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق‌العاده دستمزد آنان؛
- فرستادن کشتی‌های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی؛
- طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی؛
- تهدید اقتصادی ایران با تعطیلی شعب بانک انگلیس، خارج کردن سرمایه‌های شرکت نفت و تحریم خرید نفت.

سخنرانی دکتر مصدق در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره ملی شدن صنعت نفت ایران



دولت دکتر مصدق برای مقابله با تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی انگلستان، برنامه اقتصاد بدون نفت را اجرا کرد. دکتر مصدق که خود حقوق‌دان بود، با حضور در مجامع بین‌المللی از حقانیت ملت ایران دفاع می‌کرد. دفاع منطقی و مستدل نخست‌وزیر و وکلای حقوقی ایران باعث شد که شورای امنیت سازمان ملل متحد و سپس دیوان بین‌المللی لاهه به سود کشور ما رأی صادر کنند. دولت ایران پس از پیروزی در دادگاه لاهه، از انگلستان خواست که بدهی‌های شرکت نفت و خسارت‌های ناشی از تأخیر و غیره را بپردازد و چون دولت انگلیس این تقاضا را نپذیرفت، اقدام به قطع رابطه سیاسی با لندن کرد.

فعالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

بخشی از سخنرانی دکتر مصدق در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد را بخوانید و ارزیابی خود را از آن بیان کنید. «آقای رئیس، آقایان اعضای محترم شورای امنیت، امروز من در این شورا حاضر شده تا صدای مردم ایران را در مقابل ادعاهای بی‌اساس دولت انگلستان به گوش شما و مردم جهان برسانم. هرچند ما این دعوا را به دلائلی که بعد اقامه خواهیم کرد، در حدود صلاحیت شورای امنیت نمی‌دانیم اما نمی‌توانیم منکر شویم که سازمان ملل متحد آخرین مرجع و عالی‌ترین مقامی است که مسئول حفظ صلح دنیاست. ... ملت ایران نیز از کشورهای بزرگ و از یک مؤسسه بین‌المللی جز این انتظار ندارد تا آن را کمک کنند تا بتواند استقلال اقتصادی خود را به دست آورده و در سایه آن رفاه اجتماعی خود را تأمین و به این وسیله استقلال خویش را تقویت کند. اگر دولتی مسئله‌ای را که در صلاحیت شورای امنیت نمی‌باشد در این شورا مطرح کند و شورای امنیت بنا به دلایل و جهات سیاسی تصمیم بگیرد که به آن مسئله رسیدگی کند، در این صورت شورای امنیت وسیله‌ای برای مداخله یک کشور در امور داخلی کشور دیگر خواهد شد و به این ترتیب، اعتماد مردم از آن سلب خواهد گردید و شورای امنیت از وظایفش، که حفظ صلح جهان می‌باشد، باز خواهد ماند» (اسناد سخن می‌گویند!؛ ج ۱، ص ۸۲۲).

قیام ۳۰ تیر

در تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای کاستن از نفوذ و قدرت دربار و مقابله با کارشکنی‌هایی که در اداره امور کشور صورت می‌گرفت، از محمدرضا شاه پهلوی خواست که اختیار وزارت جنگ و فرماندهی ارتش را به او بسپارد و چون شاه با این تقاضا مخالفت کرد، از مقام خود استعفا نمود. شاه نیز بی‌درنگ احمد قوام را مأمور تشکیل دولت کرد. در پی این رویداد، آیت‌الله کاشانی ضمن مخالفت با نخست‌وزیری قوام، مردم را به مبارزه فراخواند و اعلام کرد: «اگر قوام کناره‌گیری نکند، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت

در پیکار شرکت می‌کنم». در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مردم به خیابان‌ها ریختند. نیروهای نظامی و انتظامی تظاهرکنندگان را سرکوب کردند و عده‌ای را به خاک و خون کشیدند، اما با ادامه تظاهرات و اعتراض نمایندگان طرفدار نهضت ملی در مجلس شورای ملی، شاه که موقعیت خود را در خطر می‌دید، به ناچار به استعفای قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق رضایت داد. دکتر مصدق دوباره نخست‌وزیر شد و وزارت جنگ و فرماندهی نیروهای مسلح را در اختیار گرفت. همچنین، شاه را از برقراری ارتباط مستقیم با سفرای خارجی منع کرد.



صحنه ای از قیام مردم تهران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱



مزار شهدای قیام ۳۰ تیر در گورستان ابن بابویه

بروز اختلاف و تفرقه در نهضت

اتحاد رهبران، شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های دست‌اندرکار نهضت بر اثر غلبه روحیه لجاجت، خودمحوری، قدرت‌طلبی و منفعت‌جویی‌های فردی و گروهی به تفرقه و دشمنی تبدیل شد. با گسترش اختلاف‌ها و نزاع‌های سیاسی میان شخصیت‌ها و گروه‌های ملی و مذهبی، منافع کشور و اهداف نهضت ملی شدن نفت به فراموشی سپرده شد.

نهضت ملی شدن صنعت نفت با اتحاد و یکپارچگی احزاب و گروه‌های سیاسی و مذهبی مختلف بر محور مبارزه با استعمار انگلیس آغاز شد. با همدلی و یگانگی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، موانع داخلی و خارجی یکی پس از دیگری از سر راه برداشته شد و موفقیت‌های بزرگی به دست آمد اما پس از پیروزی قیام ۳۰ تیر، شرایط تغییر کرد؛ همکاری و

با استفاده از منابعی که دبیر معرفی می‌کند، مجموعه‌ی حوادث و اقداماتی را که موجب تفرقه و چنددستگی در نهضت ملی شدن نفت در فاصله‌ی قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد، فهرست و علل این اختلاف‌ها را استخراج کنید.

کودتای ۲۸ مرداد

دشمنان خارجی و عوامل داخلی آنان با بهره‌گیری از تداوم و گسترش اختلاف و نزاع میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و یاران و نزدیکان این دو شخصیت ملی و مذهبی، بر تلاش‌هایشان برای نابودی نهضت و سرنگونی دولت دکتر مصدق افزودند. در این زمان، دکتر مصدق امیدوار بود که دولت آمریکا در ماجرای نفت از ایران پشتیبانی کند اما آمریکا که از زمان جنگ جهانی دوم سیاست فعالی را درباره‌ی ایران در پیش گرفته بود، سرانجام از دولت انگلستان جانب‌داری کرد و با آن کشور در براندازی دولت مصدق متحد شد.

فعالیت ۴

تحلیل و قضاوت

تحلیل یکی از مورخان معاصر درباره‌ی اتحاد آمریکا و انگلستان علیه نهضت ملی شدن نفت را بخوانید و نظر خود را درباره‌ی آن بیان کنید.

«از نظر واشنگتن و همچنین لندن، کنترل ایرانی‌ها بر نفت احتمالاً پیامدهای دراز مدت ویرانگری به همراه داشت. این امر صرفاً یک ضربه‌ی مستقیم به منافع بریتانیا نبود. ممکن بود کنترل نفت را کاملاً در اختیار ایران قرار دهد. ممکن بود الهام‌بخش دیگر کشورها - به ویژه اندونزی، ونزوئلا و عراق - شود؛ به طوری که آنان نیز از این رویه پیروی کنند و در نتیجه، کنترل بازار بین‌المللی نفت از شرکت‌های نفت غربی به کشورهای تولیدکننده منتقل شود. همچنین، تهدیدی بالقوه برای شرکت‌های آمریکایی و سایر کشورهای غربی - و طبعاً دولت آمریکا و بریتانیا - بود» (آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ص ۲۱۸).

طراحی کودتای ۲۸ مرداد حاصل توافق آمریکا و انگلیس بود. پس از ملاقات‌ها و مذاکرات نمایندگان و مأموران انگلیسی و آمریکایی، آن دو کشور در اواخر سال ۱۳۳۱ درباره‌ی سرنگونی دولت مصدق و انتصاب سرلشکر فضل‌الله زاهدی به نخست‌وزیری به توافق رسیدند. براساس طرح مشترک انگلیس و آمریکا، ایجاد آشوب‌های خیابانی در ایران و به راه انداختن جنگ روانی علیه مصدق در مطبوعات در دستور کار شبکه‌ی جاسوسی دو کشور قرار گرفت.

علاوه بر آن، طراحان کودتا از طریق اشرف پهلوی و ژنرال نورمن شوارتسکف^۱ آمریکایی، محمدرضا پهلوی را که در پذیرش کودتا تردید داشت، متقاعد کردند که با کودتا موافقت کند. با ورود مأمور ویژه^۲ سیا^۳ به ایران در اواسط تیر ۱۳۳۲ و ملاقات او با فضل‌الله زاهدی، مقدمات اجرای کودتا فراهم شد.

۱- Herbert Norman Schwarzkopf

۲- کریت روزولت (Kermit Roosevelt)

۳- آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (Central Intelligence Agency - C.I.A)



کودتاجیان در خیابان‌های تهران - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



شاه و سرلشکر زاهدی، فرمانده کودتاجیان

سرانجام، با نقشه و حمایت سیاسی و مالی دولت‌های انگلستان و آمریکا و عوامل داخلی آنان، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ واحدهایی از ارتش به فرماندهی فضل‌الله زاهدی علیه دولت دکتر مصدق اقدام به کودتا کردند. کودتاجیان که از پشتیبانی سازماندهی شده گروه‌هایی از طرفداران شاه و دربار برخوردار بودند، مراکز مهم دولتی را در پایتخت تسخیر و دولت دکتر مصدق را سرنگون کردند.

۱- مرحله اول کودتا در ۲۵ مرداد ناکام ماند و شاه به همراه همسرش، ثریا، به بغداد و سپس رم رفت. اما سه روز بعد، مرحله دوم کودتا به نتیجه رسید و شاه به ایران بازگشت.



دکتر سید حسین فاطمی، وزیر خارجه و یار نزدیک دکتر مصدق (ردیف جلو نفر وسط) در فرمانداری نظامی تهران - فاطمی چند ماه پس از کودتا دستگیر و پس از محاکمه تیرباران شد.

پس از موفقیت کودتا، زاهدی نخست‌وزیر شد و اعلام حکومت نظامی کرد. دکتر مصدق و تعدادی از همکاران و یاران نزدیکش دستگیر و سپس محاکمه شدند. احزاب و گروه‌های سیاسی و روزنامه‌های مخالف، غیرقانونی اعلام شدند و منحل گردیدند. یک سال و اندی پس از کودتای ۲۸ مرداد، حکومت پهلوی با انگلستان و آمریکا درباره مسئله نفت به توافق رسید و به موجب قراردادی، تولید و فروش نفت ایران را به کنسرسیومی^۱ از شرکت‌های نفتی انگلیسی، آمریکایی، هلندی و فرانسوی واگذار کرد. بر اساس این قرارداد مقرر شد که کنسرسیوم به مدت ۲۵ سال نفت ایران را استخراج کند و به فروش برساند و نیمی از سود خالص را برای خود برداشته و در مقابل، نیمی از سود خالص خود را به کشور ما بپردازد.

ادامه مبارزه پس از کودتا

با وجود جو سرکوب و اختناق پس از کودتا، گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی و از جمله تعدادی از استادان دانشگاه تشکلی به نام **نهضت مقاومت ملی** را پایه‌گذاری کردند و با قرارداد جدید نفتی به مخالفت برخاستند که منجر به اخراج شماری از آنان از دانشگاه شد. آیت‌الله کاشانی نیز به این قرارداد اعتراض کرد. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به برقراری روابط سیاسی مجدد با انگلستان و سفر معاون رئیس‌جمهور آمریکا (ریچارد نیکسون) به ایران تظاهرات کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان^۲ به شهادت رسیدند.^۳

پرسش‌های نمونه

- ۱- پس از شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه، چه تغییر و تحول سیاسی مهمی در کشور به وجود آمد؟
- ۲- علت و هدف از طرح سیاست موازنه منفی چه بود؟
- ۳- قرارداد الحاقی گس - گلشاییان با چه هدفی به امضا رسید و سرانجام آن چه شد؟
- ۴- عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را توضیح دهید.
- ۵- دیدگاه و ارزیابی خود را درباره تأثیر و نقش عوامل داخلی و خارجی بر موفقیت کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق بیان کنید.

۱- Consortium، مشارکت و همکاری دو یا چند شرکت یا سازمان برای انجام فعالیتی

۲- مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی

۳- به مناسبت رشادت دانشجویان در مبارزه با استکبار، این روز «روز دانشجو» نامگذاری شد.